



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No4, 166-192.

Concepts and institutions of public law in Qajar travelogues¹

Reza Yaghoobi²

Abstract

travelogues are an important channel for identifying and introducing the relations governing the era that the travelogue narrates. An important part of these relationships are the concepts and institutions that the travel writer has described as a symbol of the apparent difference between the West and the East. Considering the significant cognitive gap between the spatial container of the minds of the authors of these travelogues and the historical space of the subject of the travelogue writers; narrative and considering the newness of the major part of established and conventional legal concepts and institutions in the time and place of the subject of these travelogues, understanding the narrative The travelogues of these concepts and institutions allow us to get acquainted with their historical background. The description of the authors of these travelogues is descriptive and limited to the appearances of institutions and legal concepts, and all the travelogues who are the subject of this research had no knowledge of the theoretical foundations and background of these concepts and institutions, and only Abdul Latif Shoushtari made scattered references to the break between the old and the new in their thoughts. and the theoretical foundations of these concepts and institutions. In general, the predominance of genre and historical narrative and the lack of theoretical and analytical reflection is the common feature of all these travelogues.

Keywords: *concepts, institutions, travelogue, public law, historical evolution*

¹ . Received: 2023/11/07; Accepted: 2023/12/14; Printed: 22/12/2023

² Visiting Assistant professor, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran.
mryaghooby@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره چهارم (پیاپی هشتم) زمستان ۱۴۰۲، ۱۶۶-۱۹۹.

مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در سه سفرنامه قاجار؛ تحفه‌العالم، مسیر طالبی، سفرنامه میرزا صالح^۱

رضا یعقوبی^۲
چکیده

سفرنامه‌ها مجرایی مهم برای شناسایی و معرفی مناسبات حاکم بر دورانی است که سفرنامه‌نویس روایت می‌کند. بخش مهمی از این مناسبات، مفاهیم و نهادهای مرتبط با شیوه حکمرانی است که سفرنامه‌نویس به عنوان نمادی از تفاوت ظاهری غرب با شرق تشریح کرده است. با توجه به شکاف معرفتی شبان توجه موجود بین ظرف مکانی ذهن نویسندگان این سفرنامه‌ها با فضای تاریخی موضوع روایت سفرنامه‌نویسان و با توجه به جدیدبودن بخش عمده‌ای مفاهیم و نهادهای حقوقی مستقر و متعارف در حوزه زمان و مکان موضوع این سفرنامه‌ها، شناخت روایت سفرنامه‌ها از این مفاهیم و نهادها، امکان آشنایی ما با پیشینه تاریخی آنها را فراهم و «زمان تاریخی» ورود نخستین مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی را به نظام معرفتی ایران مستند می‌کند. مسئله بنیادین این تحقیق، چگونگی طرح و توصیف نخستین مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در این سه سفرنامه است. سؤالات این تحقیق عبارت‌اند از اینکه درک این سفرنامه‌نویسان بر چه مبنا و در چه سطحی بوده و سؤال مهم‌تر اینکه دلیل التفات این سفرنامه‌نویسان به این مفاهیم و نهادها چه بوده است؟ شرح نویسندگان این سفرنامه‌ها، توصیفی و محدود به ظواهر نهادها و مفاهیم حقوقی است و به نظر می‌رسد سفرنامه‌نویسان موضوع این تحقیق، معرفتی به مبانی نظری و پیشینه این مفاهیم و نهادها نداشته‌اند و شأن غالب بر روایت این سفرنامه‌نویسان، ترسیم فضای حکمرانی متفاوتی است که این مفاهیم و نهادها، در انگلیس پدید آورده‌اند و استقرار این سبک حکمرانی در ایران عصر قاجار، آمال مشترک این سه سفرنامه‌نویس است.

واژگان کلیدی: مفاهیم، نهادها، سفرنامه، حقوق عمومی، تحول تاریخی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۳؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۱

۲. استادیار مدعو، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران myaghooby@gmail.com

درآمد

تدوین تاریخ «مشروطه‌خواهی ایرانیان» مستلزم تدوین مواد و مصالح و مبانی نظری نظریه مشروطیت ایران است. برخلاف درک سطحی و غیرتحقیقی که تولد مفهوم مشروطیت و مشروطه‌خواهی ایرانیان را به تجمع معترضان در سفارت انگلستان و القای این مفهوم توسط عمال سفارت انگلیس محدود می‌کند، اسناد و منابع مربوط به تاریخ مفهومی مشروطیت ایران، به عنوان مفهومی حقوقی، مبین این حقیقت است که ریشه‌های مشروطه‌خواهی ایرانیان به بیش از صد سال پیش از جنبش مشروطه‌خواهی ۱۳۲۴ق ایرانیان بازمی‌گردد. سفرنامه‌های به‌جامانده از ایرانیان فرنگ‌رفته، نخستین مبانی و منابع مربوط به اندیشه مشروطیت قدرت را در اختیار ایرانیان عصر قاجار قرار داده است. اگرچه نویسندگان این سفرنامه‌ها، درکی منقح نسبت به مبانی نظری مفاهیم و نهادهای برآمده از حکومت مشروطه نداشته‌اند، ولی روایت ایشان از این مفاهیم و خصوصاً نهادها را باید به عنوان نخستین سرچشمه‌های آشنایی ایرانیان با اندیشه مشروطه‌خواهی تلقی کرد. در این چارچوب، آثاری همچون تحفه‌العالم، مسیر طالبی و سفرنامه میرزا صالح شیرازی به فرنگ، به عنوان نخستین منابع مربوط به تاریخ مشروطه‌خواهی ایرانیان، از حیث التفات به مفاهیم و به‌خصوص نهادهای حکومت مشروطه انگلیس، بسیار شایان توجه‌اند.

موضوع مهم در این راستا، نقشی است که این مفاهیم و نهادها در سیر تحول و تداوم خود، در تکوین و بسط مبانی نظری مشروطیت ایران به عنوان جنبشی—مبتنی بر ضرورت حکومت قانون داشته‌اند. مفاهیم و نهادهای توصیف‌شده در این سفرنامه‌ها، نقش مواد و مصالحی را دارند که اساس نظریه مشروطیت ایران را تأسیس کرده و در تداول تاریخی خود، این مفاهیم و نهادها، پخته‌تر و کارآمدتر شده و در نهایت در نقش مبانی و اصول مشروطه ایرانی، امکان تحقق مشروطیت قدرت در ایران عصر قاجار را فراهم کرده‌اند.

می‌دانیم که آغاز بیداری غرب پس از رنسانس و بسط موج آگاهی‌های نوین در حوزه قدرت و سیاست از طریق محدودیت صلاحیت ارباب کلیسا و بسط حوزه قدرت ارباب سیاست، موجب ایجاد گسستی معرفتی بین غرب و شرق شد. با وجود پیدایش نخستین نشانه‌های بیداری اروپاییان از سال ۱۴۰۰ میلادی به بعد و آغاز تغییر و تحولات در حوزه علم و صنعت و علوم اجتماعی و سیاسی و حقوقی، ایران و اندیشه ایرانی، در غفلت از این تجدد و تحول و در حوزه قدیم حکمرانی به سر می‌برد. پس از آغاز مراودات بین اروپا و ایران و مسافرت نخستین ایرانیان به اروپا و به‌ویژه انگلستان، نخست به صورت غیرمستقیم از طریق هند و سپس به صورت مستقیم از طریق سفر به کشور انگلستان، پاره‌ای از تفاوت‌های درخور توجه موجود بین نظام حکمرانی انگلستان و ایران، نظر این مسافران را به خود جلب کرده و در سفرنامه‌های خود به توصیف جزئیات این شیوه حکمرانی پرداخته‌اند. ابزار توصیف سفرنامه‌نویسان، مفاهیم و نهادهایی است که در نقش مبانی نظری و مواد و مصالح این شیوه حکمرانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این تحقیق ضمن اشاره به سوابق سفرنامه‌نویسی در ایران، به سه سفرنامه مهم توجه شده است؛ نخست سفرنامه «تحفه العالم و ذیل التحفه» نوشته سیدعبدالطیف شوشتری است که در سال ۱۲۱۶ق به رشته تحریر درآمده و حاصل شنیده‌های نویسنده از توصیفات است که انگلیسی‌های مقیم هند از نظام سیاسی انگلستان برای شوشتری روایت کرده‌اند. دوم سفرنامه «مسیر طالبی فی بلاد افرنجی» نوشته میرزا ابوطالب اصفهانی مشهور به ابوطالب لندنی که نخستین ایرانی است که مستقیماً از کلکته به انگلستان سفر کرده و حدود پنج سال از ۱۲۱۳ تا ۱۲۱۸ق در انگلستان بوده است و بعد از بازگشت، در سال ۱۲۱۹ق مبادرت به منظم کردن یادداشت‌های مربوط به این سفر کرده و توصیفات خود را از پاره‌ای از مفاهیم و نهادهای نوین حقوق عمومی به رشته تحریر درآورده است. سومین و آخرین سفرنامه، متعلق به میرزا صالح شیرازی است که در ۱۰ جمادی‌الثانی سال ۱۲۳۰ق به انگلستان مسافرت کرده و پس از بازگشت به ایران، حاصل مشاهدات خود از این سفر حدوداً چهارساله را به رشته تحریر درآورده است.

توجه به مفاهیم و نهادهای نوین حقوقی در این سفرنامه‌ها مؤید این اصل است که «با آغاز دوران جدید تاریخ و تاریخ اندیشه غربی و جهانی شدن روابط و مناسبات سیاسی، ایران زمین نیز به ضرورت در میدان جاذبه اندیشه و مناسبات نو قرار گرفت، درحالی که از سوی دیگر، نظام فکری و سیاسی ایران، تحولی مناسب با سرشت دوران جدید پیدا نکرد» (طباطبایی، ۱۳۸۱، ۱۲). قرائت این سفرنامه‌ها مؤید صحت این فرضیه است و ما ذیلاً مواد و مصالح حقوقی مرتبط با این موضوع را مورد توجه و واریسی قرار می‌دهیم.

نظری بر سوابق سفرنامه‌نویسی در ایران قبل از قاجار

«سفرنامه‌ها، آینه تمام‌نمای گذشته ماست» (شهبازی، ۱۳۹۹، ۹). نخستین و بیشترین اسناد مرتبط با این موضوع مربوط به دوران سلطنت قاجارهاست که گزارش‌هایی از ایرانیان فرنگ‌رفته به ثبت رسیده است. بعد از آن «وهن بزرگ»^۱ شکست ایران از روسیه، ضرورت آشنایی با چرایی این شکست‌ها، زمامداران وقت ایران را بر آن داشت تا از طریق اعزام محصلان به اروپا، بخشی- از عقب‌ماندگی خود را از طریق تحصیل علوم جدید جبران کنند. در پی همین نگرش بود که به تناوب، گروه‌هایی از محصلان ایرانی به اروپا اعزام شدند و ایشان پس از بازگشت به ایران، حاصل مشاهدات خود را در قالب سفرنامه به رشته تحریر درآوردند.

در تاریخ سفرنامه‌ها، پیش از قاجارها نیز سفرنامه‌هایی نوشته شده که حاصل شنیده‌ها یا مشاهدات ایرانیان از نهادها و مفاهیم جدیدی بوده است که در غرب پدیدار شده و نقش مهمی در تغییر شیوه حکمرانی ایشان داشته است. نخستین این سفرنامه‌ها، متعلق به اُروج‌بیگ است که با عنوان «دون ژوان ایرانی» به زبان کاستیلی نوشته شده و بعدها به زبان انگلیسی و سپس به فارسی ترجمه و منتشر شده است (بیات، ۱۳۳۸، ۱۸).

۱. این تعبیر بخشی از عبارت دقیق میرزا محمدحسین فروغی در تحلیل شکست‌های ایران از روسیه است که آورده است: «آن وهن بزرگ که بر ایران حاصل آمد، از دو چیز بود؛ نخست نادانی و سپس فساد و تباهی اخلاق بزرگان». به نقل از: طباطبایی، جواد، مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی، تبریز، ستوده، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴

أروج بیگ در شمار دبیران حسن‌علی بیگ بیات، نخستین سفیر شاه عباس صفوی، بوده است که در شوال سال ۱۰۰۷ ق به آلمان و ایتالیا مسافرت کرده و به کیش مسیحی گرویده است و به دلیل تغییر کیش، امکان عرضه حاصل این سفر به زبان فارسی به شاه عباس را نیافته است (همان، ۳۴۴) و خاطرات خود را با مساعدت کشیشی. «رمون» نام (همان، مقدمه مترجم، ۶) به زبان کاستیلی (پیشین، ص ۹) تهیه و منتشر کرده است. این سفرنامه «توجهی به نظام‌ها و نهادهای حکومتی کشورهای که از آن گذر کرده، ندارد و گاهی تنها اشاره‌ای گذرا به نوآوری‌های فنی که مایه شگفتی او شده بود آورده است» (طباطبایی، ۲۲۶، ۱۳۸۱) و بیشتر متمرکز بر توصیف ظاهر مناطقی بوده که نویسنده مشاهده کرده است.

سفرنامه دوم که در دوران صفویه نوشته شده، «سفینه سلیمانی» است.^۱ این سفرنامه شرح مسافرت محمدربیع بن محمد ابراهیم از همراهان سفیر شاه سلیمان صفوی به سیام است. این سفر در سال‌های ۱۰۹۴ تا ۱۰۹۸ ق انجام شده و نویسنده، بیش از التفات به نهادهای نوین، از تفاوت نظام حکمرانی ایران با سیام شگفت‌زده شده است و در «شرح و تفصیل مذهب و ملت شاه و طایفه سیام»، به لاداری بودن و اعتقاد ایشان به تناسخ پرداخته است (محمدربیع، ۲۵۳۶، ۱۰۹).

پیش از این دو اثر، سفرنامه‌ای در سال ۹۲۲ ق، در عهد سلطنت شاه اسماعیل صفوی، تحریر و ثبت شده که به «خطای‌نامه» مشهور است.^۲ خطای‌نامه شرح مشاهدات سیدعلی‌اکبر خطایی از سفری کمتر از صد روز به چین است. مؤلف، تاریخ تألیف کتاب را آخر ربیع‌الاول سال ۹۲۲ ق و سبب تألیف این اثر را چنین نوشته است: سبب «جمع‌ساختن آن وقعه‌های غریب این بود که هرکس به درگاه خسرو اسلام‌پناه، غازی‌الحق والدین، سلطان سلیم خان بن بایزید خان، از اطراف و جوانب عالم، به تحفه‌های

محمدربیع بن محمد ابراهیم، سفینه سلیمانی (سفرنامه سفیر ایران به سیام) ۱۰۹۸-۱۰۹۴ ق، تصحیح، تخشیه و تعلیقات، دکتر عباس فاروقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
خطایی، سیدعلی اکبر، خطای‌نامه، به کوشش ایرج افشار، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، چاپ دوم، ۲۱۳۷۲.

غریب می‌آیند. این فقیر کم‌بضاعت نیز از ملک چین و ماچین و خُطا و ختن، بیان رسوم غریب و آیین عجیب تحفه آورد» (خطایی، ۱۳۷۲، ۲۷).

یکی از این «رسوم غریب و آیین عجیب» که مورد توجه نویسنده خطای‌نامه قرار گرفته است، قانون و نقش آن در منتظم کردن جامعه خطای است که از منظر موضوع این تحقیق، مهم‌ترین وجه امتیاز این اثر در آن مقطع است. خطایی در فصل بیستم با عنوان «در بیان قانون نگه‌داشتن ایشان» و فصول پانزدهم و شانزدهم، به پاره‌ای از مفاهیم و نهادهای حقوقی اشاره کرده است. مفهوم قانون، مهندسان قانون، از قانون تجاوز نکردن، در بیان قانون و قواعد نگه‌داشتن آن، ضابط قانون و مفهوم مهم «نگه‌داشتن قانون» در معنای حکومت قانون و «رسالت قانون» در شمار مفاهیمی است که مؤلف خطای‌نامه به کرات در جامعه خطای ملاحظه و در سفرنامه خود به آن اشاره کرده است. اشارات مکرر خطای‌نامه به مفهوم قانون، مؤید این امر است که در جامعه خطای، قانون قاعده و امری الزام‌آور بوده است که با هدف نظم‌بخشیدن به امور جاری جامعه توسط «مقنن» خطای، به مردم ابلاغ و ایشان متعهد به مراعات آن شده و هستند؛ مقنی افسانه‌ای به نام «بوجین‌گزین» که با سه مفهوم «کشتن» و «راندن» و «زدن» به عنوان سه قاعده ضبط و انضباط خطای، درصدد قاعده‌مند کردن خطای برآمده است (خطایی، ۱۳۷۲، ۱۴۰). قانون در این سفرنامه امری برآمده از اراده سلطان مستبد، لایتغیر و لازم‌الاجراست که رسالت حاکمیت نظم را در جامعه چین بر عهده دارد و به همین دلیل، تمام خطاییان باید به قانون آگاه و ملتزم باشند و «أمر را نادانستن قانون یک گناه عظیم است» (خطایی، ۱۳۷۲، ۱۴۵). جایگاه حاکمیت قانون در استمرار و انتظام حکومت خطاییان، بسیار مورد توجه خطایی قرار داشته است؛ به گونه‌ای که به اعتقاد وی، تداوم حکومت هزارساله خطای به سبب «نگه‌داشتن» قانون یا به تعبیر امروزی حکومت قانون بوده است. «سبحان‌الله! چه قانون و چه نگاه‌داشتن قانون است که به سبب ضبط قانون و نگاه‌داشتن قانون چندین هزار سال است که ملک ایشان خلل ندیده و دشمن بر ایشان ظفر نیافته از ۷ سال تا ۷۰ ساله و از درویش و پادشاه هیچ‌کس را سر موئی زهره ترک و تأخیر قانون نباشد»

(خطایی، ۱۳۷۲، ۱۰۷). در ادامه این نگرش در جایی دیگر نوشته است: «و جایی که از خاقان چین و امرای او نگاه داشت قانون آنچنان بود، دیگر که را زهره ترک قانون است؟ از جهت نگاه داشت قانون است که مملکت ایشان چندین هزار سال است خرابی ندیده است و هر روز در زیاده شدن است» (خطایی، ۱۳۷۲، ۹۷). تأمل در فقراتی که خطایی به مفهوم قانون اشاره کرده، مبین این است که قانون در جامعه خطای، امری لازم‌الاجرا تلقی که نقشی-تنظیماتی بر عهده داشته است. از نظر خطایی، تمام دستاوردهای مطلوب موجود در جامعه خطای که موضوع گزارش وی قرار گرفته، نتیجه حکومت قانون است. خطایی افسوس می‌خورد که این سبک حکمرانی باید در کشورهای اسلام وجود داشته باشد نه در چین؛ «دریغ این در مملکت‌های اسلامی بایستی» (خطایی، ۱۳۷۲، ۱۵۹). این آرزویی است که خطای‌نامه در آخرین فصل به آن اشاره کرده است و با شرح مختصری از این عجایب «در آخر شهر جمادی‌الاول سال ۹۵۲» خطای‌نامه که در شهر قسطنطنیه تألیف شده، به اتمام رسیده است.

تأمل در خطای‌نامه از منظر مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی مؤید این امر است که اولاً سیدعلی‌اکبر خطایی التفاتی به مفهوم جدید قانون و مبانی نظری آن نداشته است و اگرچه به نوشته سیدعبداللطیف شوشتری، آغاز بیداری غربیان از سال ۹۰۰ ق است، ولی در آن مقطع، مباحث نظری منتج به بیداری غربیان، از نوشته خطایی و جامعه خطایان مفقود بوده است. ثانیاً قانون در خطای‌نامه قاعده و امر لازم‌الاجرائی است که برآمده از اراده حاکم است که این حاکم، مالکیت و حکومت مطلق بر مردمان مُلک خطای داشته است. ثالثاً در کنار مفهوم قانون در سفرنامه سیدعلی‌اکبر خطایی به دیگر مفاهیم جدید مربوط به حوزه حقوق عمومی مثل حکومت قانون و نظارت بر اجرای قانون نیز پرداخته شده است، ولی وجه غالب بر این دریافت‌های خطایی از قواعد حکمرانی خطای، توجه به شأن تنظیماتی این «آداب» و فقدان آشنایی به مبانی نظری است. در این سفرنامه هیچ درک و دریافتی از «مفهوم» و «نهاد» وجود ندارد و روایت نویسنده از نظام حکمرانی خطای، توصیف «آداب حکمرانی» خطایان است که فاصله قابل توجهی با «نظام حکمرانی» در مفهوم جدید دارد.

مفاهیم و نهادهای جدید در تحفه العالم

تسلط انگلیس بر هندوستان و اجرای شیوه حکمرانی نوین انگلیس در هند، زمینه‌ای برای امکان طرح و توصیف پاره‌ای از مفاهیم و نهادهای حقوقی توسط یک ایرانی مقیم هندوستان شد. «تحفه العالم و ذیل التحفه» اثر عبداللطیف خان شوشتری سفرنامه‌ای است که در وصف شیوه حکمرانی انگلیس در هندوستان به رشته تحریر درآمده و از حیث بررسی سیر تاریخ تحول مفاهیم و نهادهای حقوقی اثری درخور بررسی است. اگرچه وجه غالب این اثر، توصیف آداب و رسوم هندی‌هاست، ولی اکراهی از تعریف صریح از «سلسله جلیله انگلیسیه» ندارد: «حق این است که در امنیت و اطمینان مملکت و رعیت پروری و معدلت گستری و اعزاز و رعایت حال سپاه و لشکریان و رعایت حقوق ذوی الحقوق، این فرقه [انگلیسیه] در کل جهان طاق‌اند، گو در بعض مواد بناشان به حيله و تزوير و فريب باشد» (شوشتری، ۱۳۶۳، ۱۴). در تمجید از شیوه حکمرانی ایشان نوشته است: «ریاست و قوانین سلطنت را نیز به جایی رسانیده‌اند که یونانیان و حکمای اسلامیان به تحسین و آفرین آنها همداستانند» (پیشین، ۱۹).

شوشتری کتاب تحفه العالم را در سال ۱۲۱۶ هجری به پایان برده و در سال ۱۲۱۹ هجری قمری الحاقیه‌ای با عنوان «ذیل التحفه» بر آن افزوده است (پیشین، ۱۶). آنچه شوشتری درباره فرنگ و فرنگیان نوشته، بازتاب طرحی است که انگلیسی‌های مقیم هند از نظام حکومتی انگلستان ترسیم و برای وی تعریف کرده‌اند و خود شوشتری، سفر مستقیمی به انگلستان نداشته است. صرف نظر از انتقاداتی که کسانی مثل کسروی و دیگران به شوشتری و اثر وی کرده‌اند،^۱ از حیث تاریخ مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی، اشارات شوشتری به نهادها و مفاهیم حقوقی درخور توجه است.

۱. کسروی در مقاله با عنوان «هم دزد و هم دروغ‌باف» شوشتری را متهم به استفاده از تذکره شوشتری که معروف‌ترین تألیف سیدعبدالله شوشتری بوده، کرده است که بدون ذکر نام از نوشته‌های وی استفاده کرده است. آقای موحد نیز با برابر نهادن عباراتی از تحفه العالم و تذکره حزین لاهیجی، اعلام کرده است که شوشتری مطالب بی‌شماری را از تذکره حزین لاهیجی نقل کرده بدون اینکه مرجع نوشته خود را اعلام کرده باشند. پیشین، صص ۲۲-۲۳

شوشتری بر سبیل مقدمه، دلیل عدم توجه اهل اسلام به ذکر احوال انگلیس را پیش از وی، «مباینت تامه» موجود بین اسلام و دین و آیین انگلیس می‌داند و به همین جهت، «احدی از فرق اسلام متعرض این قسم حکایات نگشته‌اند». این نوشته قرینه اثباتی است بر این ادعا که «تحفه‌العالم، نخستین نوشته فارسی بوده باشد که سخنی از مشروطیت و نهادهای سلطنت مشروطه در آن آمده است» (طباطبایی، ۱۳۸۱، ۲۴۳). شوشتری درخصوص سبب تألیف کتاب و ذکر احوال انگلیسی‌ها نوشته است: «خواستم که حاضران و آیندگان را دستورالعمل و مایه انس و انبساط گردد» (شوشتری، همان، ۲۵۹-۲۶۰).

شوشتری در تبیین چگونگی تحول شیوه حکمرانی در انگلیس، به سرچشمه‌های بیداری این کشور و «رواج حکمت» پس از پیدایش «حکما و دانشمندان در تمام یورپ و فرنگستان، خاصه در انگلستان» در سال ۹۰۰ هجری برابر با ۱۴۹۴ میلادی اشاره کرده است. وی ضمن روایت نزاع بین عالمان علوم عقلی و شرعی در انگلیس، وجهی از شکاف و گسستی که در شیوه حکمرانی انگلستان از طریق محدود کردن حوزه قدرت پاپ و ارباب کلیسا، رخ داده بود، تبیین کرده است. در پی این گسست، جدال بین مقام سلطنت و پاپ‌ها درگرفت و این امر موجب نضج‌گرفتن اندیشه محدودیت حوزه صلاحیت نهاد کلیسا شد. به نوشته شوشتری، حاصل این جدال «پی‌اعتباری پادریان، درافتادن پایا و فرونشستن آن همه قضایا و علو مرتبه حکما و دانشمندان، در تمام فرنگستان، و پی‌پرده‌شدن مردم به‌طور طبیعی در سنه ۹۴۰ هجری» بود و پیش‌قراول این سکولاریسم «جماعت انگلیسیه شدند». این روایت شوشتری از گسست در شیوه حکمرانی و محدودیت حوزه قدرت ارباب کلیسا و استقلال بیشتر نهادهای سیاسی خصوصاً پادشاهان، سرآغاز تغییراتی بود که در نهایت منجر به مشروطیت سلطنت در انگلستان شد.

روایت شوشتری از جدال نهاد کلیسا و سلطنت در انگلستان، به عنوان مجرایی برای تکوین نطفه اندیشه مشروطیت قدرت، نخستین بار است که توسط یک ایرانی، به زبان و نظام مفاهیم فارسی منتقل شده است. از این

منظر، تحفه‌العالم، نخستین اثر در زبان فارسی است که طرحی از تاریخ مشروطه‌خواهی انگلستان را به عنوان نخستین دولت مشروطه‌خواه، از دو حیث «روش» و «مبانی» مشروطه‌خواهی، به خواننده فارسی زبان منتقل کرده است. فقر مفاهیم حقوقی در زبان فارسی شوشتری و فقدان بینش نظری از اهمیت این اثر از منظر فوق نمی‌گاهد و باید توجه داشت که این اثر در زمانی تألیف شده است که ایران، از سر بلاهت نهاد سلطنت، درگیر جنگ نابرابری با روس‌ها بود که از پی شکست در آن جنگ، بخش قابل توجهی از سرزمین ایران را از سر بی‌کفایتی از کف داد. در این فضای فکری مندرس حاکم بر نظام فرمانروایی ایران، ارائه طرحی از مشروطیت قدرت در انگلستان، ولو بدون برنامه، مغتنم بود و این روایت شوشتری از مشروطه انگلستان، مجرای برای آشنایی با پاسخ پرسش بنیادین «چیستی دلیل برتری غرب و زوال ایران» را باز نمود که پس از وی، ابوطالب اصفهانی و میرزا صالح شیرازی و دیگر سفرنامه‌نویسان، تأمل در مفاهیم و خصوصاً نهادهای جدید غرب را در شمار اولویت‌های خود در ثبت و ضبط وقایع سفر قرار دادند. تداوم این روش، منجر به شکل‌گیری جریانی شد که نخستین روزنه‌های آشنایی ایرانیان با نظام مفاهیم و نهادهای نوین حقوقی غرب را تدارک دید و سفرنامه‌های ایشان مجرای برای آشنایی با طرحی از نظام‌های جدید حکمرانی در غرب برای ایرانیانی شد که سودای ضرورت تغییر شیوه حکمرانی در ایران را داشتند.

شوشتری در ترسیم چگونگی پیدایش نخستین نشانه‌های تجدد آورده است: «در سنه ۹۴۰ هجری، حکما و دانشمندان پدید آمدند و نخستین کاری که کردند این بود که جهازات جنگی ترتیب داده مردمان کارآزموده بر آنها سوار کردند و بر گرد هر دو جزیره ساخلو نگاه داشتند تا دست بیگانه به مملکت نرسد و به این اکتفا نکرده به استعانت جهاز، به فکر مملکت‌گیری و کشورگشایی افتادند» (همان، ۲۶۲). این روایت شوشتری نخستین نشانه تغییراتی است که -متعاقب پررنگ شدن نقش فلاسفه و حکما و اهل علم و کم‌رنگ شدن نقش ارباب شرع- در حوزه امور عمومی و حکمرانی در غرب پدیدار شد. این گسل در حوزه قدرت و کم‌رنگ شدن نقش ارباب شرع و پررنگ شدن نقش حکما و دانشمندان در حوزه حکمرانی، آثاری داشته است

که شوشتری به فراست مورد توجه قرار داده است. به نوشته وی، بعد از اینکه حکما در نواحی مختلف استیلا یافته، مقرر چنین شد که هفته‌ای دو روز همه در یک جا مجتمع شوند و هرکس را در هر کار هرچه به خاطر رسیده باشد بیان کنند تا به مصلحت یکدیگر، بناهای محکم اساس، به کارها گذاشته شود (همان). تداوم این شیوه نوین در نظام حکمرانی غرب، منتج به درک ضرورت وضع قانون و حکومت قانون شد. شوشتری ضمن اشاره به فهم ضرورت وضع قانون و آثار ناشی از آن می‌گوید: «... و در امور کلی و جزئی، از سلطنت و عمرانی تا به صنایع یدی، به جهت آسایش و رفاه مردم، کتب مدونه، به‌طور دستورالعمل تألیف نمودند و بنای نوشتن کتب را به قالب مانند چیت‌سازی گذاشتند. هر صفحه را یک قالب کنند و در یک روز از آن هزار صفحه نگارند» (پیشین). این نخستین اشاره عبداللطیف شوشتری به مفهوم قانون و تدوین قانون است. فخر مفهوم قانون در نظام مفهومی حاکم بر زبان شوشتری، وی را مجبور به استفاده از مفهوم «دستورالعمل» به عنوان معادل مفهوم قانون کرد و با توجه به تداول مفهوم دستورالعمل در نظام معنایی زبان زمان شوشتری، وی برای بیان مفاد گیتی که به جهت آسایش و رفاه مردم مدون و به‌طور دستورالعمل تعریف می‌شود، به جای واژه قانون از مفهوم «دستورالعمل» استفاده می‌کند تا تفاوت تأثیر وجود آن «دستورالعمل» را در نظام انگلستان و عدم آن در دیگر نظام‌های حکمرانی را بیان کند. این فقره، نماد التفاتی است که شوشتری به مفهوم مهم قانون داشته است. اشارات مکرر شوشتری به مفهوم قانون و قوانین پسندیده انگلیس، مبین این است که قانون در نظر او قاعده و امر لازم‌الاجراست که رسالت نظم‌آفرینی و برابری در جامعه را بر عهده دارد.

در کنار مفهوم قانون، «مفهوم آزادی» از دیگر مفاهیمی است که در سفرنامه شوشتری مورد توجه قرار گرفته است. شوشتری، در غیاب مفهوم آزادی در نظام مفهومی زمانه وی، با استعانت از مفهوم «عدم تسلیط» که در «زبان» و «سنت» فکری او متداول است، درصدد تشریح مفهوم آزادی برآمده است: «و دیگر از جمله قوانین این فرقه است که کسی را بر کسی- تسلطی نیست. پادشاه یا امرا اگر بخواهند بر زیردستان زیادتی کنند، آن

شخص در محکمه شکایت کند هر دو را در مقابل هم ایستاده نگه دارند و امرشان را فیصل دهند» (همان، ۲۷۵). جایگاه بالای «حکومت قانون» در انگلستان، مبنایی برای حفظ «آزادی» به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان است و نقش حکومت قانون در تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی مردم، یکی از اصول بنیادین حکومت‌های مشروطه است.

شوشتری در امتداد تبیین آثار ناشی از تحولات ناشی از استقرار حکما، به موضوع «مشروطیت قدرت» پرداخته است و طرحی از تغییر شیوه حکمرانی از مطلقه به مشروطه به دست داده است: «و حکما بعد از اجرای اکثر از قوانین مذکوره، به فکر انتظام سلطنت افتادند که تا آن زمان حکمرانی بالاستقلال و الانفراد بود. هرروزه یکی معزول و دیگری به غلبه مسلط می‌شد و بسی مفساد و خونریزی، که از لوازم تغییر سلطنت است، به ظهور می‌رسید... آخرالامر همه را رأی بدین قرار گرفت که پادشاه را مسلوب‌الاختیار کنند و به جهت او وجهی معتدبه، معادل کرور روپیه که پانصد هزار تومان سفیدی است، معین سازند که وفا به مصارف سلطنت رساند... پادشاه نیز راضی شده خود را مسلوب‌الاختیار کرد» (همان، ۲۷۶). این آغاز گسست در شیوه حکمرانی در انگلستان از طریق تبدیل حکومت مطلقه به حکومت مشروطه و نخستین روایتی است که از چگونگی استقرار حکومت مشروطه در زبان فارسی به ثبت رسیده است. شوشتری به دلیل فقر مفاهیم زبان فارسی، مفهومی معادل حکومت مشروطه ندارد، ولی ماهیت این نوع حکومت را به درستی تبیین می‌کند: «و بعد از سلب اختیار از پادشاه، قوایم سلطنت را به سه امر مضبوط ساختند؛ پادشاه و امرا و رعایا. بدین نحو که هرگاه امری از امور عظیمه اتفاق افتد، مادام که این سه فرقه یک رأی نزنند آن کار صورت نگیرد» (همان).

در تاریخ مفاهیم حقوق عمومی، این اشاره شوشتری به چگونگی استقرار مشروطیت در انگلستان، با تمام کاستی‌هایی که دارد، نخستین گزارش دارای وجهی حقوقی از تحول قدرت مطلقه به قدرت مشروطه است. بدیهی است که انتقال این شیوه جدید حکمرانی به نظام معرفتی ایران عصر قاجار که مملو از ظلم و نابرابری بود، می‌توانست راهی متفاوت از وضع حکمرانی

موجود، در دسترس کسانی قرار دهد که درصدد کسب درک متفاوتی از روش اداره امور بودند. این انتقال تجربه انگلستان به ایران مؤید این قاعده است که اصرار توأم با قهر و غلبه بر مشروعیت قدرت نامشروع و اجبار به تمکین مردم از این شیوه حکمرانی، نافی وجود شیوه‌های حکمرانی عادلانه و قانونمندی که حکام و مردم در موضعی برابر و آزاد قرار دارند، نمی‌تواند باشد و انتقال این تجربه و رسوخ این آگاهی‌ها به وجدان جمعی خسته از ظلم و گرفتار مردم اسیر حکومت دجال، همیشه می‌تواند بنیادهای حکومت ظلم و جور را دگرگون کند و حکمرانی را بر مسیر قانون و اعتدال بازگرداند.

مشروطیت قدرت در انگلستان دارای مبانی و اصولی بود که شوشتری سعی داشت طرحی از این اصول و مبانی را به خواننده فارسی‌زبان ارائه کند. نهاد پارلمان، به عنوان یکی از نهادهای مهم محدودکننده قدرت نامحدود سلطنت از طریق وضع قانون، در شمار نهادهایی است که توجه شوشتری را جلب کرده است. به روایت شوشتری، «خانه‌ای بسیار عالی در پایتخت بنا نهادند و به شورا و خانه مشورت موسوم ساختند و به رعایای بلد و بلوک تمامی قلمرو پیام دادند که رعایای هر شهر و قصبه، از جانب خود هرکس را سزاوار دانند وکیل کنند که در پایه سریر سلطنت حاضر باشد تا کارها به مشورت همگی انجام یابد. این گونه، وکیل از جانب خود مقرر کنند که همه در یک جا مجتمع شوند» (همان، ۲۷۶). «خانه شورا» و «خانه مشورت»، نخستین دریافت جدید از مفهومی است که در تحول نظام مفاهیم حقوقی مشروطیت ایران، در مفهوم «مجلس شورا» تثبیت شد و شوشتری نخستین دریافت از این مفهوم جدید را وارد نظام مفهومی تاریخ مفاهیم حقوق عمومی در ایران کرده است.

مفهوم «وکیل» که در سنت مفهومی شوشتری دارای سابقه و کارکردی مدنی-و نه سیاسی- بود، به عنوان نخستین دریافت از مفهوم جدید «نماینده» مورد استفاده شوشتری قرار گرفت و این مفهوم در تحولات بعدی مشروطه‌خواهان ایران، از طریق تحول در مضمون، به مفهومی مدنی-سیاسی تبدیل شد که بعدتر و با قوام‌یافتن مفاهیم حقوق عمومی پس

از تصویب متمم قانون اساسی مشروطه، مفهوم «نماینده» کارکرد این وجه از مفهوم «وکیل» را بر عهده گرفت.

نهاد حقوقی دیگری که شوشتری اشاره ناقصی به آن کرده، نهاد «هیئت وزرا» است که در نظر شوشتری به عنوان بازوی مشورتی شاه معرفی شده است (پیشین، ۲۷۷) که البته دریافت وی از این مفهوم در آن مقطع درست نبوده و اسلاف وی، خصوصاً میرزا ابوطالب اصفهانی، تأمل در این نهاد و تشریح دقیق‌تر ارکان و وظایف آن را وجه همت خود قرار داده است.

نهاد «عدالت‌خانه» از دیگر مفاهیم و نهادهایی است که مورد توجه عبداللطیف شوشتری قرار گرفته است؛ نهادی که مسئولیت مهم برقراری عدالت و انصاف و برابری و حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی را به عنوان مهم‌ترین حقوق شهروندان در جامعه، بر عهده دارد. شوشتری در توصیف این نهاد نوشته است: «دیگر از جمله قوانین عظیمه وضع خانه عدالت است که به جهت رفع مناقشات و مخاصمات بین الناس موضوع است» و درخصوص کارکرد این نهاد نوشته است: «و آنچه آن است که در بلدان عظیمه و قراء معموره بزرگ، خانه‌ای بنا نهند و به خانه عدالت موسوم سازند و چهار کس از حکمای دانشمند خداترس را به جهت فتاوا و نوشتن سجلات و اجرای سیاسات پادشاه معین کنند و ایشان را جج خوانند به معنی قاضی» (پیشین، ۲۷۹). اشارات شوشتری به شیوه دادگستری در انگلیس و آیین دادرسی و صدور حکم شایان توجه است. اشاره به مفاهیمی همچون فتوا به جای حکم، نوشتن سجلات به معنای تنظیم اسناد، اجرای سیاسات به معنای اجرای مجازات نیز اشاره به مفهوم حقوقی وکلا و رسالت ایشان در دفاع از مدعی و مدعی علیه نیز درخور توجه است. در تبدیل حکومت مطلقه به مشروطه، نقش نهاد عدلیه، به عنوان نهاد متولی اجرای قانون، نقشی—درخور توجه و تاریخی است. در ایران نیز استقرار «عدالت‌خانه» در شمار نخستین خواسته مشروطه‌خواهان از عین‌الدوله و سپس مظفرالدین‌شاه بود و حکومت مشروطه ایران نیز در نخستین گام‌ها،

در «افق انتظار» تأسیس همین نهاد و به تأسی از «قلمرو تجربه» انگلیس‌ها نضج گرفت.

این نخستین دریافت‌ها از نظام سیاسی و حقوقی‌ای است که شوشتری طرحی مختصر- و ناقص از آن را ترسیم و به نظام معنایی ایران قاجار منتقل کرده است. مقایسه نهادها و کارکردهای دو نظام حکمرانی ایران و انگلیس و آثار بسیار متفاوت این دو شیوه حکمرانی، دیگر مسافران ایرانی را بر آن داشت تا تصویری روشن‌تر از این نظام و نهادها و مفاهیم جاری در بطن آن ارائه کنند تا با التفات به تبیین مبانی این تفاوت‌ها، طرحی از نظام حکومت قانون در ایران تکوین و در موعد تاریخی مقرر عملیاتی شود. گزارش ابوطالب اصفهانی از مسافرت مستقیم او به لندن در همین راستا تهیه و ثبت شده است که در گفتار ذیل با تمرکز بیشتر به بررسی آن می‌پردازیم.

سیمای مفاهیم و نهادهای حقوقی در مسیر طالبی فی بلاد افرنجی

میرزا ابوطالب خان اصفهانی، مشهور به ابوطالب لندنی، نخستین ایرانی است در سال ۱۲۳۱ ق مستقیماً از کلکته هند به لندن مسافرت کرد و پس از حدود پنج سال اقامت در لندن، در سال ۱۲۱۸ قمری از لندن به کلکته بازگشت و در سال ۱۲۱۹ قمری، شرح مشاهدات خود را تحت عنوان «مسیر طالبی فی بلاد افرنجی»^۱ مکتوب کرده است (اصفهانی، ۱۳۶۳). شوشتری، میرزا ابوطالب را واجد «ذهنی رسا و فطرتی عالی و بسی- بزرگ‌منش و پسندیده» و «مورخی بی‌نظیر و نکته‌دانی بی‌مانند» دانسته که «به سرانگشت فکرت دقیق، مواضع مشکله را حل نموده است» (شوشتری، پیشین، ۳۶۸).

۱. نخستین چاپ «فارسی» این اثر برای نخستین بار در سال ۱۲۲۸ ق/۱۸۱۲ م تحت عنوان «نسخه مسیر طالبی» در کلکته هند و نخستین چاپ این اثر در ایران در سال ۱۳۵۲ در تهران توسط حسین خدیوچم چاپ شده است (یوسفی، غلامحسین، دیداری با اهل قلم، جلد ۲، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۷، صص ۴۴-۴۵).

از حیث التفات به مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی، «ذکر اوضاع ریاست انگلش» که معادل تشریح شیوه حکمرانی در نظام سیاسی انگلستان به زبان امروزی است، مهم‌ترین فصل سفرنامه میرزا ابوطالب است (اصفهانی، پیشین، ۲۳۹). در این فصل، توجه به نهادهای متولی قدرت، اشخاص و مفاهیمی همچون پادشاه، وزیراعظم، هیئت وزراء، پارلمان، قضاوت، حکومت قانون و عرفی‌سازی قدرت مورد توجه میرزا ابوطالب بوده است. وی نظام مشروطه انگلستان را متشکل از چهار نهاد پادشاه، ولیعهد، مجلس وزراء و پارلمنت (همان، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹) می‌داند. با توجه به تاریخی بودن دو نهاد «سلطنت» و «ولایت‌عهدی»، تمرکز ابوطالب بیشتر بر دو نهاد جدید «مجلس وزراء» و خصوصاً «پارلمنت» است.

اصفهانی در «جزو سیوم» از «ریاست انگلش»، به «مجلس وزراء» پرداخته است؛ مجلسی که «دخل تمام در کار ملک و ریاست دارد» و مشتمل بر ۹ وزارتخانه است که «هر یک به کاری مستقل است، غیر او را در آن دخل نیست» (همان، ۲۴۱). وزارتخانه‌های خزانه، امور خارجه، امور داخله، امورات جنگ، وزیر جهازات، وزیر توپخانه، وزیر امورت هند، وزیر ارباب عدالت و «وزیر شریعت عیسوی و کشیشان ملک» ۹ وزارتخانه‌ای است که مجلس وزراء را تشکیل می‌دهد.

وزیر خزانه، نخستین وزیر مجلس وزراء و اعظم وزراست زیرا تحصیل مال از افراد پارلمنت و خرج آن به مصارف مختلفه به عهده اوست» (همان، ۲۴۱). دومین «وزیری که جواب و سؤال ایلچیان و امور خارج» انگلند» از ممالک فرنگ بدو تعلق دارد»، وزیر خارجه است که «درجه این وزیر نازل‌تر از وزیر خزانه و بزرگ‌تر از دیگران است» (همان، ۲۴۳). درخصوص وزیر سوم و چهارم توضیحی ندارد ولی درباره «پنجم وزیر جهازات که دادن مناصب به سرداران جهازی و رسانیدن احکام به ادمرل‌ها [دریاسالاران] کار اوست»، توضیحاتی ثبت کرده است. ششم و هفتم وزیر نیز صلاحیت معینی دارند که برای اصفهانی جذابیتی ندارد. هشتمین وزیر «وزیر ارباب عدالت» است که در تحولات تاریخی به وزیر دادگستری مشهور شده است. در انگلستان زمان حضور اصفهانی، وزیر ارباب عدالت

«به منزله قاضی القضاات است... [که] ناظر کار همه [وزرا] است. چون ارباب عدالت قدرت بر قتل احدی ندارند، فتوای قتل کشیشان نوشته به وساطت او از نظر پادشاه می‌گذرانند. اگر پادشاه معاف کرد مختار است و الا نشان امضای حکم قضاات، که اکثری است، می‌نماید» (همان، ۲۴۸).

نهمین و آخرین جزء مجلس وزرا، «وزیر شریعت عیسوی و کشیشان ملک» است که به انگلیسی- «بشپ» [اسقف] نام دارد. برای میرزا ابوطالب به عنوان یک مسلمان که «سیاست او عین دیانت اوست»، بسیار طرفه است که می‌بیند «شریعت عیسوی» انگلش را دخل در امور سیاست و معیشت خلق نمی‌باشد و چهار وظیفه مشخص دارد که شامل امامت کلیسا، عقدبستن و طلاق زنان، دفن مردگان و در نهایت نام‌نهادن و غسل تعمید نوزادان است (همان).

نهاد پارلمان به عنوان جزء چهارم «ریاست انگلش»، بسیار مورد توجه اصفهانی قرار گرفته است. این نهاد از سویی به دلیل اینکه در تاریخ و عمل اندیشه اسلامی فاقد پیشینه تاریخی بوده است و از دیگر سو به دلیل قدرت و جایگاه مهمی که در اداره نظام حکمرانی انگلستان داشته است، توجه اصفهانی را به خود جلب کرده است. اصفهانی نخست صورت ظاهری و سپس صلاحیت‌های این نهاد را توصیف کرده است. در توصیف صورت شکلی این نهاد نوشته است: «اهل آن را عمده الرعایا نامند. عدد ایشان، زیاده بر سیصدوپنجاه است. همه، مردم دانشمند متین مغز دارند، زیرا که هر قریه و هر شهر انگلند، در جاهای خود جمع شده به همان رویه کثرت قائلین بر مانعین، یکی از خودها را برای هفت سال به وکالت اختیار و تعیین دارالملک می‌نمایند. آن وکیل هفت زمستان که مجلس پارلمنت در لندن است، در «پارلمنت هوس»، که خانه‌ای عالی مخصوص این کار در میدان وسیع الفضای ساخته شده، حاضر آمده، ناظر کارها می‌ماند» (همان، ۲۵۰).

تشریح تفصیلی تحولات مفهومی و نهادی مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در این مختصر- نمی‌گنجد، ولی آشنایی به اینکه تاریخ مفهوم نمایندگان مجلس، به عنوان یکی از مفاهیم مهم حقوق عمومی، ریشه در مفهوم «عمده الرعایا» دارد که در تحولات مفهومی تاریخی، در مفهوم «نماینده» تثبیت شده است و همچنین مفهوم «وکالت» که در نظام

معنایی اصفهانی با کارکردی مدنی، رسالتی سیاسی یافته و در تحولات تاریخی-مفهومی، در مفهومی سیاسی، تثبیت شده است. مفهوم «قائلین» و «مانعین» به معنای نمایندگان موافق و مخالف نیز از مفاهیمی است که مورد توجه اصفهانی قرار گرفته است.

صلاحیت پارلمان بخش دیگری از مسائل مهم حقوق عمومی است که اصفهانی به آن التفات داشته است. آشنایی با این صلاحیت‌ها از زبان مفاهیم عصر- اصفهانی شایان توجه است: «اول کار ایشان [نمایندگان مجلس] آن است که نقشه خرج آن سال را که به واسطه وزرا درست شده، می‌بینند، اگر پسندیده است به همان وضع و الا بعد حک و اصلاح، متساوی بر گردن رعایا می‌اندازند. صلح و جنگ، و جمله کارهای جدید، موقوف بر پسند و امضای این فرقه است. هرچه به خاطر پادشاه و امرا یا سایر عقلای انگلش در صواب‌دید ملک و اهل آن رسد، در پارلمنت ظاهر می‌نمایند، اگر پارلمنت پسندید، زر اخراجات آن بر ذمه می‌گیرد، بعد از آن اختیار پادشاه و امرا در آن کار است و به واسطه ایشان تمام می‌شود». در کنار این صلاحیت‌های مهم، صلاحیت مهم‌تری نیز وجود دارد که از نگاه تیزبین اصفهانی دور نمانده و آن صلاحیت وضع قانون است. «قوانین و ریاست ملک و تجارت و عدالت و هر چیزی که در انگلش است، تمام ساخته رأی همین پارلمنت است. حتی حدود گنجهکاران هم تعلق به شریعت و احکام سماوی ندارند. بنابراین به اقتضای وقت و حال طبایع و تجربه قضات، احکام و حدود برگردانند و شدیدتر و سهل‌تر سازند» (همان، صص ۲۴۹-۲۵۰). تشریح این تحولات مفهومی که در دو ساحت لفظ و معنا در این واژگان رخ داده، بخش مهمی از تاریخ تحولات مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی است که از سر دغدغه و عالمانه مورد التفات واقع نشده است. برای بنیادگذاران نهادها و مفاهیم مؤثر و ماندگار در حوزه حقوق عمومی، التفات به این سوابق و پیگیری مستند و عالمانه این تحولات، بخش ناگزیر تاریخ تدوین مفاهیم در ایران است.

به نظر می‌رسد توجه میرزا ابوطالب اصفهانی به مفاهیم و نهادهای جدید حقوق عمومی با هدف انتقال جایگاه قدرت سیاسی، حقوقی و سیاسی

انگلستان واجد امتیازاتی است که آن را برتر از سایر سفرنامه‌هایی که در این دوران تألیف شده است، قرار می‌دهد.

«ولایت آزادی»؛^۱ سفرنامه میرزا صالح شیرازی از منظر مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی

سفرنامه میرزا صالح شیرازی به چند جهت با دیگر سفرنامه‌هایی که تا این مقطع از تاریخ ایران تحریر شده، متفاوت است؛ نخست اینکه میرزا صالح به نفقه دولت ایران به انگلیس اعزام و یافته‌های وی از این سفر، به نوعی قرائت رسمی دولت از نظام سیاسی انگلستان تلقی می‌شود. میرزا صالح به این موضوع التفات داشته و در چندین موضع از سفرنامه این موضوع را متذکر شده است. دوم اینکه اعزام میرزا صالح به انگلیس، از پس دو شکست نظامی ایران از روس و به عنوان جزئی از مرهمی است که عباس میرزا نایب‌السلطنه درصدد است تا با اقدامات اصلاحی گوناگون، درد عقب‌ماندگی ایران را به قدر وسع، درمان کند و سوم اینکه در بین نخستین سفرنامه‌های قاجاری ایرانیان به خارج، سفرنامه میرزا صالح شیرازی مستقیماً منبع آشنایی نخبگان اهل عمل و بخشی از قجری‌هایی قرار گرفت که سودای تحول وضع نگون‌بخت ایران عصر قاجار را در سر داشتند. میرزا صالح شیرازی در شمار دومین گروه از ایرانیانی است که به دستور عباس میرزای نایب‌السلطنه در سال ۱۲۳۰ ق «برای آموختن زبان لاتین و انگلیسی— که مترجم دولت شود» (شهیدی، ۱۳۶۲، ۲۳) از تبریز در جمادی‌الثانی ۱۲۳۰ عازم انگلستان شد و سه سال و ۹ ماه و ۲۰ روز در لندن اقامت داشت و بعد از برگشت نیز خاطرات خود را قلمی کرد (شیرازی الف، ۱۳۹۶، ۵۱۱).

آشنایی میرزا صالح با سفرنامه‌های شوشتری و اصفهانی، به تحقیق مشخص نیست، ولی وی نیز به سبک این دو، بخشی از سفرنامه را به بیان «بعضی— از طریقه و قواعد و قوانین انگلند» (همان، ۴۲۹) اختصاص داده

۱. شیرازی، میرزا صالح، سفرنامه، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، نگاه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۹۶، صص ۲۹۵ و ۳۰۵

است. به اعتقاد میرزا صالح، «قواعد دولت‌داری و قوانین مملکت انگلند، مخصوص است به خود انگلند، به این معنی که هیچ‌یک از ممالک دنیا نه به این نحو منتظم است و نه به این قسم مرتب؛ سال‌ها جان‌کنده و خون‌ها خورده و خون‌ها ریخته‌اند تا اینکه به این پایه رسیده است» (همان). این درک میرزا صالح از سابقه استقرار مشروطیت در انگلستان، مسیر تمرکز وی بر مفاهیم و نهادهایی که رسالت حفظ این سبک حکمرانی را دارند، هموار کرده و وی بلافاصله به تحلیل ساختار «اقسام ثلاثه دولت انگلند» یعنی «پادشاه، لاردها یا خوانین و کامن یا وکیل عامه مردم» پرداخته و صلاحیت‌های هر یک از این نهادها را به تفصیل بیان کرده است (همان، صص ۴۳۷-۴۲۹).

تمرکز سفرنامه میرزا صالح بر ساختار سیاسی انگلستان و شرح وی از صلاحیت‌های این نهادها، مجرایی برای آشنایی با نخستین دریافت‌ها از مفاهیم و خصوصاً نهادهای حقوق عمومی در ایران عصر قاجار است. مهم‌ترین نهادی که در این سفرنامه مورد توجه میرزا صالح شیرازی قرار گرفته، نهاد پارلمان است. با توجه به سابقه فقهی مفهوم «شورا» و «مشورت» به تاسی از آیه «و امرهم شورا بینهم»، میرزا صالح مفهوم مشورت‌خانه را برای نخستین بار به عنوان معادلی برای نهاد پارلمنت به کار برده است (همان، ۲۸۱). میرزا صالح در سفرنامه خود بیش از ۵۰ بار به مفهوم مشورت‌خانه به عنوان نهادی متشکل از وکلا و برگزیدگان شهرهای مختلف انگلستان اشاره و به تبیین کارکرد این نهاد در انگلستان پرداخته است (همان، صص ۳۴۹، ۳۳۲، ۲۹۶، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۸، ۲۸۰، ۲۷۰ تا ۳۵۶). اگرچه فهم وی از مفهوم و نهاد پارلمان سطحی بوده است، ولی شرح میرزا صالح از صلاحیت و اقتداری این نهاد و چگونگی انتخاب اعضای آن که ایشان با عنوان وکیل و وکیل‌الرعا و عمده‌الوکلا و ممبر پارلمنت نام برده است (همان، صص ۴۲۳، ۳۹۷، ۳۶۷) نخستین شرح از تاریخ مفاهیم و نهادهای جدید حقوقی در تاریخ حقوق ایران است. وجوه حقوقی این سفرنامه منحصر به تشریح مفاهیم و نهادهایی همچون نهاد پارلمان، نهاد سلطنت، مجلس عوام و مجلس اعیان مفهوم حکومت قانون، مفهوم نماینده، هیئت منصفه و مفاهیمی از این دست است که برای نخستین بار

در تاریخ مفاهیم و نهادهای جدید حقوقی ایران ثبت و مجرای برای آشنایی دیگر ایرانیان با نهادهای مرتبط به حکومت قانون شده است (شیرازی، ۱۳۹۶، ۴۴۴-۴۲۹). به دلالت مفاد این سفرنامه، میرزا صالح از حیث تاریخ مفاهیم حقوق عمومی، آشنایی مبنایی با مفهوم جدید قانون به عنوان امری برآمده از اراده عموم و برآمده از خواست مردم نداشته و به موضوع حکومت قانون نیز هیچ اشاره مستقیمی نکرده است. آنچه در سفرنامه میرزا صالح به عنوان التفات به مفهوم قانون قابل ذکر است، فقط اشاره به این قول مشهور است که «در انگلند احدی از آحاد ناس را تنبیه نمی‌کنند مگر اینکه به قاعده و قانون ولایت» (شیرازی، ۱۳۹۶، ۴۳۷). این اشاره تنها اشاره‌ای است که میرزا صالح شیرازی در شرح سفر خود به اصل حکومت قانون قلمی کرده است در همین‌جا به موضوع «طریقه و قوانین شرع و احکام قضات» (همان، ص ۴۳۷) اشاره و ساختار قوه قضائیه در انگلستان را توصیف کرده است.

یکی از وجوه امتیاز این سفرنامه، از حیث تاریخ تحول مفاهیم حقوق عمومی، اشاراتی است که نویسنده، به عنوان نخستین مسافر ایرانی به فرنگ، به مفاهیم و نهادهای جدید حقوق عمومی کرده است؛ اشاره به «نهاد هیئت منصفه» و صلاحیت و اختیارات این نهاد (همان، ۴۳۷)، اشاره به مفهوم «مجمع فراموشان» (شیرازی، ۲۷۲)، «فراموشخانه» (همان، صص ۴۹۳، ۴۹۵ و ۲۷۳)، «خانه فراموشان» (شیرازی، ۴۹۳) به عنوان معادل مفهوم فراماسونری، نخستین اشارات ثبت‌شده در تاریخ ایران به این دو مفهوم است و پیش از وی کسی در این خصوص اظهاری نکرده است. اشاره به مفهوم اقرارنامه (همان، ۳۹۴) و اقرارنامه (همان، ۴۳۱) به عنوان مفهومی که در تحول مفهومی به «رأی» مشهور شده است، استفاده از مفهوم «اریاب مشورت» (همان، ۳۹۵) به عنوان مفهومی که در زبان حقوق عمومی به «نماینده» متحول شد، اشاره به چگونگی «تأسیس آمریکا» و همچنین توجه میرزا صالح به مفهوم «ری‌پابلیکان» (همان، ۳۵۱) در شمار وجوه امتیاز این سفرنامه از حیث تاریخ تحول مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در ایران است. میرزا صالح گریزی ناقص و نامفهوم هم به اراده انگلیسی‌ها به تغییر شیوه حکومت از مشروطه پارلمانی به

جمهوری زده و ضمن اشاره به اراده «پارلمنت و بزرگان انگلند» به اینکه بعد از قتل چارلز اول در ۱۶۴۳م «دولت انگریز بدون پادشاه بوده، مثل دولت روم، که آن راری پابلیکان کنند، یعنی دولتی متعلق به همه مردم بوده وکلای رعایا در رتق و فتق امور حادثه کوشیده، چنان که همیشه روم به این طریقه حکمرانی می شده. یک نفر از اهالی مشورت، سر آن ها شده، بدون پادشاه، امور آنها و ولایت آنها می گذشته» (همان، ۳۵۱)، توضیح بیشتری در این خصوص ثبت نکرده است.

دلیل تمرکز بر اشارات و دریافت های سفرنامه نویسان، خصوصاً میرزا صالح شیرازی از مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در ایران، تذکر این مهم است که علی رغم اینکه انگلستان و دیگر کشورهای اروپایی از حدود ۲۵۰ سال قبل از مسافرت میرزا صالح به لندن با مفاهیم و نهادهای جدید حقوقی آشنا بوده و این مفاهیم و نهادها را در عمل در ساختار سیاسی خود مستقر کرده بودند، ولی ایران هیچ آشنایی با مفاهیم، مبانی و نهادهای نوین حقوقی و نظام های نوین سیاسی و شیوه های جدید حکمرانی و حل و فصل مخاصمات قضائی نداشته است و در غفلت و بی خبری، از نظر شیوه حکمرانی، به همان شیوه و روال سابق در دو حوزه سیاسی و قضائی طی مسیر می کرده است. این غفلت مانع تحول شیوه حکمرانی و تهیه و تأمین و تضمین حقوق و آزادی های عمومی مردم ایران شده است. طرفه اینکه علی رغم تحولات فکری و نهادی قابل توجه متعاقب مشروطیت قدرت در ایران در سال ۱۲۸۵ش به بعد، به نظر می رسد هم اکنون نیز هنوز به مبانی و اصول حکومت قانون اعتقادی وجود ندارد و در غفلت از نگاه علمی و پژوهشی- به مبانی، اصول، مفاهیم و نهادهای حکومت مشروطه به عنوان حکومت قانون، نگاه امروز ما، مثل میرزا صالح، متمرکز بر ظواهر نهادها و ظواهر مفاهیم است و به نظر می رسد دستگاه قدرت در ایران، اعتقاد و التزام عملی به حکومت قانون و مشروطیت قدرت ندارد.

نتیجه‌گیری

تاریخ مشروطه‌خواهی ایران، به رغم تصور تاریخ‌نویسان مشروطیت ایران، منحصر به دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار نیست، بلکه مذاقه در مفاد آثار مکتوب موجود از این دوره، مؤید این مهم است که ریشه‌های مشروطه‌خواهی ایرانیان، تاریخی بسیار طولانی‌تر از عصر مظفری دارد. با التفات به مفاد این سه سفرنامه، به نظر می‌رسد التفات نویسندگان این سفرنامه‌ها به طرحی از ظاهر نهادهای جدید انگلستان که در سفرنامه‌های خود به آن اشاره کرده‌اند، می‌تواند مبنایی برای نخستین دریافت‌ها از کلیت اندیشه مشروطه‌خواهی ایرانیان تلقی و تعریف شود که از پس از این نخستین دریافت‌ها، نشانه‌هایی از ضرورت اصلاحات در نظام سیاسی حکمرانی ایران که اساسی‌ترین وجه این اصلاح در حوزه نظام حقوقی ایران عصر قاجار بود، نشو و نما یافت. تأمل در مفاد این سفرنامه‌ها مؤید این حقیقت است که به دنبال «زوال اندیشه سیاسی» و «تصلب سنت» در نظام فکری ایران، مفاهیم مندرج در این سفرنامه‌ها نه از مجرای «بحران» یا حتی «ترقی» بلکه از سر «حیرت» و «شگرفی» وارد نظام مفاهیم حقوقی ایران شدند؛ چراکه منحنی اندیشه نویسندگان این سفرنامه‌ها، تخته‌بند مفاهیم و نهادهایی بود که در یک سنت متصلب ایرانی، برای بیش از پنج قرن، تحولی مبنایی و بنیادین را تجربه نکرده بود. تالی فاسد این روش انتقال مفاهیم حقوقی برای نظام حقوقی ایران این بود که «مفاهیم جدید نه از راه تحول اندیشه سنتی، که از مجرای تجربه ظاهر تجدد اروپایی و از راه کوشش برای بیان نمودهای تجدد اروپایی به عنوان زبان ترجمه‌ای وارد ایران شد» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۲۴۸) و به همین دلیل، نتوانست نظامی از مفاهیم جدید را به عنوان مبنایی برای تأسیس نهادهای حقوقی و سیاسی مدرن تدوین کند و مشروطیت ایران را بر مبنای «نظریه حقوق اساسی در ایران» قوام و تداوم بخشد.

با این وصف، دلیل ضرورت شناسایی و معرفی این نخستین دریافت‌ها، کمک به آشنایی با تحولی است که از اواخر قرن دوازدهم

قمری در حوزه آشنایی با نهادها و مفاهیم جدید حقوقی آغاز و با تکامل آن در دهه‌های نخستین حکمرانی ناصرالدین‌شاه، مسیر مشروطه‌خواهی ایرانیان را از سال ۱۲۱۶ قمری تا ۱۳۲۴ قمری که مشروطیت ایران با ابتنا بر این مبانی، مفاهیم و نهادها به پیروزی رسید، تداوم بخشید. با توجه به اینکه به مدد وجود این نخستین دریافت‌ها، نویسندگانی همچون میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا فتحعلی خان آخوندزاده و میرزا طالبوف تبریزی، از امکان تداوم بحث در حوزه مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی برخوردار شدند، در غفلت از این پیشینه، امکان ارائه تفسیری دقیق و مبتنی بر واقعیت درخصوص چگونگی التفات این نویسندگان به این مفاهیم و مبانی در اختیار خواننده فارسی قرار نمی‌گرفت و مسیر تولد، تکوین و استقرار این مفاهیم و مبانی در تاریخ حقوق ایران در دوره قبل از مشروطیت، مستندسازی نمی‌شد.

دلیل دیگر ضرورت واریسی این سفرنامه‌ها، از منظر تاریخ مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در ایران، بازبینی قرائتی است که سفرنامه‌نویسان از مفاهیم و خصوصاً نهادهای جدید حقوقی انگلستان ارائه کرده و برای نخستین بار این مفاهیم و نهادها را در تاریخ حقوق ایران ثبت کرده‌اند. پیگیری سیر این تحولات مفهومی، طرحی از نخستین درک این سفرنامه‌نویسان از مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی به دست می‌دهد که با پیگیری تحول مفهومی این درک در تاریخ ایران، مسیر چگونگی تولد، تکوین و استقرار نهادها و مفاهیم حقوق عمومی در ایران را شناسایی کرده و با نواقص و مزایای آن آشنا شده و با رفع نواقص و تقویت مزایا، این دریافت‌ها را به عنوان مواد و مصالح لازم برای تدوین تاریخ حقوق اساسی در ایران به کار می‌گیریم. التفات به این تجارب تاریخی و تقویت وجوه امتیاز و زدودن ابهام‌ها و رفع نواقص، شرط امکان تدوین چارچوبی نظری برای تدوین نظریه حقوق اساسی در ایران است. نظریه حقوق اساسی در ایران نمی‌تواند بدون التفات به این سوابق تاریخی و با غفلت و عزل نظر از این دریافت‌ها و کوشش‌ها، تکوین و تکامل یابد و مبنایی برای «تأسیس دولت مدرن»، به معنای

علمی کلمه، تدارک ببیند. برای تدارک شرایط امکان طرح نظریه قانون اساسی در ایران، توجه به این سوابق و ثبت و بسط آنها و تسری این قبیل پژوهش‌ها به دیگر حوزه‌های حقوق ایران به عنوان موارث تاریخی اندیشه مشروطه ایرانی، غیرقابل اجتناب و از نظر روش‌شناسی غیرقابل اغماض است.

فهرست منابع

۱. اصفهانی، میرزا ابوطالب خان (۱۳۶۳)، **مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب اصفهانی**، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲. بیات، اروچ‌بیک (۱۳۳۸)، **دون ژوان ایران**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب (مجموعه ایرنشناسی، شماره ۱۸).
۳. خُطایی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۲)، **خُطای‌نامه**، به کوشش ایچ افشار، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۴. شوشتری، میرعبداللطیف خان (۱۳۶۳)، **تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه**، به اهتمام صمد موحد، تهران، طهوری.
۵. شهبازی، داریوش (۱۳۹۹)، **سیاحانی که به ایران آمده‌اند** (دو جلد)، تهران، ماهریس.
۶. شیرازی، میرزا صالح (۱۳۹۶)، **سفرنامه**، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران، نگاه معاصر.
۷. شیرازی، میرزا صالح (۱۳۶۲)، **گزارش سفر میرزا صالح شیرازی**، ویرایش، دیباچه، پانویس از: شهیدی، همایون، تهران، راه نو.
۸. طباطبایی، جواد (۱۳۸۱)، **تأملی درباره ایران**، جلد نخست؛ دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط، تهران، نگاه معاصر.
۹. طباطبایی، جواد (۱۳۸۳)، **مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی**، تبریز، ستوده.
۱۰. کسروی، احمد (۲۵۳۶)، **کاروند کسروی؛ مجموعه ۸۷ رساله و گفتار از احمد کسروی**، به کوشش یحیی ذکا، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۱۱. محمدربیع بی محمدابراهیم (۲۵۳۶)، سفینه سلیمانی (سفرنامه سفیر ایران به سیام) ۱۰۹۸-۱۰۹۴ق، تصحیح، تحشیه و تعلیقات، دکتر عباس فاروقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۷)، دیداری با اهل قلم، جلد ۲، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی